



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

چالش‌ها و راهکارهای اجرای استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور در دوره ابتدایی

فریبا تاج‌وند، فاطمه عسکری نژاد، فاطمه اقاچانی، فریما نگهداری، فاطمه گله بدیل
کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

چکیده

در دهه‌های اخیر، تحولات عظیمی در حوزه آموزش و پرورش به وجود آمده است و مفهوم "یادگیری دانش‌آموز محور" به عنوان یک پارادایم اصلی در فرآیند آموزش آشنا شده است. این مفهوم تاکید بر نقش فعال دانش‌آموز در فرآیند یادگیری دارد و جهت‌گیری از تدریس معلم به سوی یک فرآیند تعاملی و شخصی‌سازی شده را ترویج می‌کند. اما، اجرای استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور در دوره ابتدایی، با چالش‌ها و موانعی همراه است که نیازمند بررسی دقیق و راهکارهای موثر است. در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان با تنوع بسیاری از حیث توانایی‌ها، تجربیات و سطوح یادگیری روبه‌رو هستند. این تنوع ممکن است باعث ایجاد محیط یادگیری یکنواخت شود و استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور را دچار مشکل کند. استفاده از استراتژی‌های یادگیری متنوع و قابل تطبیق با نیازها و سطوح دانش‌آموزان می‌تواند به ایجاد یک محیط یادگیری مناسب کمک کند. برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که اجازه دهد استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور به صورت موثر در کلاس اجرا شوند. تعیین اولویت‌ها و تخصیص زمان بهینه برای هر مطلب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معلمان نیازمند آموزش مهارت‌های تدریسی خاص هستند که به آنها کمک کند تا بهترین استفاده را از استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور کنند. آموزش مهارت‌های مدیریت کلاس، ارتباطات موثر و ایجاد فضای پویا از این دست مهارت‌ها هستند. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد تا با بررسی چالش‌های موجود و ارائه راهکارهای موثر، نقش استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور را در دوره ابتدایی بهبود دهیم. این تحقیق به عنوان یک راهنمای عملی برای معلمان و مسئولان آموزشی می‌تواند در بهبود کیفیت فرآیند یادگیری و تربیت در دسته دوره ابتدایی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: یادگیری دانش‌آموز محور، دانش‌آموز محور، آموزگار، استراتژی، آموزش و پرورش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در عصر حاضر، تحولات سریع و پیچیدگی های جهانی، نیاز به یک سیستم آموزشی که توانمندی های دانش آموزان را تقویت و آموزش ها را بازنگری کند، احساس می شود. یکی از دیدگاه هایی که به عنوان پاسخ به این چالش ها به وجود آمده است، استفاده از استراتژی های یادگیری دانش آموز محور در فرآیند آموزش و پرورش است. در دوره ابتدایی، که مرحله مهمی در مسیر یادگیری افراد است، ایجاد یک محیط آموزشی که بر اساس نیازها و توانمندی های هر دانش آموز شکل گیری کند، امری حیاتی است. به همین دلیل، این مقاله به بررسی راهکارها و استراتژی هایی می پردازد که مدیریت توجه به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقاء یادگیری دانش آموزان در دوره ابتدایی، می تواند ایفا کند. تمرکز بر این نکته متمرکز است که چگونه با مدیریت توجه و تمرکز، می توان به دانش آموزان کمک کرد تا به صورت فعال تر در فرآیند یادگیری شرکت کنند. با توجه به چالش ها و فرصت های منحصر به فرد دوره ابتدایی، این استراتژی ها به عنوان ابزارهایی قدرتمند مطرح می شوند که می توانند در ترقی کیفیت آموزش و یادگیری در این مرحله مهم تحصیلی مؤثر باشند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال های اخیر تاکید فزاینده ای بر دور شدن از آموزش سنتی به سمت یادگیری دانش آموز محور شده است. این تغییر پارادایم، انتقال قدرت از آموزگار به دانش آموز را تشویق می کند و با دانش آموز به عنوان یک سازنده در فرآیند آموزش و یادگیری رفتار می کند. آموزگاری که آموزش های دانش آموز محور را ارائه می دهند، دانش آموز را در تصمیم گیری در مورد اینکه چگونه و چه چیزی یاد می گیرند و چگونه آن یادگیری ارزشیابی می شود، شامل می شوند و به تفاوت های فردی در زمینه، علایق، توانایی ها و تجربیات دانش آموزان احترام می گذارند و آنها را در نظر می گیرند. نقش آموزگار در کلاس های دانش آموز محور تشویق دانش آموز به یادگیری اکتشافی بیشتر و یادگیری از یکدیگر است. آموزگار بر ساختن وظایف واقعی تمرکز می کند که انگیزه مشارکت دانش آموز را ایجاد می کند (Stuart, ۲۰۱۵).

تمرکز بر کیفیت، دسترسی و ارتباط آموزش برای دستیابی به تحول اجتماعی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی پایدار کشور، اولویت ملی بوده است. نظام آموزشی آینده باید از دیدگاه دانش آموز محور برای به حداکثر رساندن استانداردهای بالای یادگیری، انگیزه و موفقیت برای همه دانش آموز، اعم از دانش آموزان و آموزگاران استفاده کند. دیدگاه دانش آموز محور با تمرکز بر شناخت و درک هر دانش آموز در زمینه درک عمیق خود فرآیند یادگیری آغاز می شود. این تمرکز بر شناخت و احترام به دانش آموزان فردی با بهترین پژوهشها موجود و تجربه شاغل در مورد یادگیری است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

قرن ۲۱ شاهد انبوهی از روش های آموزش دانش آموز محور بوده است. استفاده از روش های دانش آموز محور در تدریس به دلیل مزایای بی شمار آن که شامل افزایش حفظ محتوا توسط دانش آموز، ترویج تفکر انتقادی، لذت بردن از یادگیری برای دانش آموز و ارتقای خلاقیت بود (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

یادگیری دانش آموز محور به سادگی به عنوان رویکردی برای یادگیری تعریف شده است که در آن دانش آموزان تنها انتخاب می کنند که چه چیزی را مطالعه کنند، بلکه همچنین چگونگی و چرایی آن موضوع ممکن است مورد علاقه باشد. به عبارت دیگر، برخلاف تأکید بر کنترل آموزگار و پوشش محتوای آکادمیک که در بسیاری از آموزش های تعلیمی مرسوم یافت می شود، محیط یادگیری مسئولیت و فعالیت دانش آموز را در دل خود دارد. علاوه بر این، دانش آموزان فرآیند یادگیری را زمانی معنادارتر می یابند که موضوعات مربوط به زندگی، نیازها و علایق آنها باشد و زمانی که فعالانه درگیر ایجاد، درک و اتصال به دانش هستند (Cannon, ۲۰۰۰).

یادگیری دانش آموز محور

آموزش دانش آموز محور رویکردی در آموزش است که بر دانش آموز تاکید دارد. از این رو دانش آموز به یک شرکت کننده فعال در فرآیند یادگیری تبدیل می شود. این برخلاف رویکرد سنتی آموزگار محور است که در آن دانش آموز در فرآیند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیری یک گیرنده فعال نیست و به عنوان ظرف خالی برای پر شدن از دانش در نظر گرفته می شود. در آموزش دانش آموز محور، نقش آموزگار بر ساخت وظایف واقعی که انگیزه مشارکت دانش آموز را برمی انگیزد، متمرکز است. بنابراین، آموزش دانش آموز محور به آموزگاران این امکان را می دهد که به جای به خاطر سپردن مهارت ها، دانش آموز را بر اساس معیارهایی که در عملکرد واقعی برای آینده آنها مهم است، ارزشیابی کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال های اخیر تاکید فزاینده ای بر دور شدن از آموزش سنتی به سمت یادگیری دانش آموز محور شده است. این تغییر پارادایم، حرکت قدرت را از آموزگار به دانش آموز تشویق کرده است، و با دانش آموز به عنوان یک سازنده در فرآیند آموزش و یادگیری رفتار می کند. آموزگاران که آموزش های دانش آموز محور را ارائه می دهند، دانش آموز را در تصمیم گیری در مورد چگونگی و آنچه که یاد می گیرند و نحوه ارزشیابی آن یادگیری را شامل می شوند، و به تفاوت های فردی در زمینه علایق، توانایی ها و تجربیات دانش آموزان احترام می گذارند و آنها را در نظر می گیرند (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

نقش آموزگار در کلاس های دانش آموز محور تشویق دانش آموزان به یادگیری اکتشافی بیشتر و یادگیری از یکدیگر است. آموزگار بر ساختن تکالیف واقعی تمرکز می کند که مشارکت و همکاری دانش آموز را در بر می گیرد (Weimer, ۲۰۰۲). دانش آموزان زمانی موفق می شوند که چیزی که می آموزند برایشان با اهمیت باشد. در یادگیری دانش آموز محور، علاقه دانش آموزان باعث آموزش می شود. یادگیری دانش آموز محور به دانش آموزان این فرصت را می دهد که در مورد دو چیز تصمیم بگیرند: چه مطالبی را یاد می گیرند و چگونه آن را یاد می گیرند. (این مفهوم گاهی اوقات به عنوان یادگیری شخصی نیز شناخته می شود). برخلاف رویکردهای آموزگار محور، در یادگیری دانش آموز محور، دانش آموزانرا به عنوان رهبر و تصمیم گیرنده در یادگیری خود درگیر می کند (Cannon, ۲۰۰۰).

به عنوان مثال، در دبیرستان پوردو، ایالت متحده، دانش آموزان در کلاس پایه های خود در یادگیری دانش آموز محور شرکت می کنند، زیرا چالش های دنیای واقعی را که توسط شرکای اجتماعی ایجاد می شود حل می کنند. دانش آموزان پژوهشهای خود را برنامه ریزی می کنند، راه حلی توصیه می کنند، ایده های خود را به آموزگاران و اعضای جامعه منتقل می کنند و موفقیت خود را در حین حرکت ارزشیابی می کنند. آموزگاران به هدایت این فرآیند کمک می کنند، اما محتوا، زمان و انگیزه به خود دانش آموزان بستگی دارد (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

هر دانش آموزی از آموزش سود می برد، صرف نظر از اینکه چقدر نیازهای یادگیری آنها متنوع است، انگیزه دانش آموز و یادگیری واقعی زمانی افزایش می یابد که دانش آموزاندر یادگیری خود سهمی داشته باشند و به عنوان همکار در فرآیند یادگیری با آنها رفتار شود. علاوه بر این، موفقیتها در فناوری ارتباطات دانشی با معرفی روش های تدریس دانش آموز محور مانند برنامه های کاربردی یادگیری چند رسانه ای، بر توسعه آموزش تأثیر گذاشته است (Aaronsohn, ۲۰۰۲).

رویکرد دانش آموز محور به تدریس نیز توسط دانش آموز ترجیح داده می شود. به عنوان مثال، نگوین، ویلیامز و نگوین (۲۰۱۲) دریافتند که استفاده از آزمایش ها در تدریس ۲۴ درصد است در حالی که ترجیحات آنها توسط دانش آموز ۷۲٫۳ درصد است. بنابراین مدارس باید تلاش می کنند از روش های دانش آموز محور مکررا استفاده کنند (Stuart, ۲۰۱۵).

علیرغم این تحولات در آموزش، روش تدریس غالب در مدارس هنوز با انتقال دانش مشخص می شود و متمرکز بر آموزگار است. ماجانگا، ناسانگا و سیلویا جاکوب (۲۰۱۵) دریافتند که متداول ترین روش های تدریس در آموزش علوم در کلاس ها، روش های سخنرانی و نمایش هستند. به گفته شوایسفورث (۲۰۱۱)، آموزش آموزگاران در کشورهای در حال توسعه به ندرت دانش آموز محور است و مدل های مناسبی را ارائه نمی دهد که آموزگاران بتوانند بر اساس آن تدریس کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین گاهی اوقات بیش از حد نظریه محور است. محتوای برنامه های تربیت آموزگار به اندازه کافی بر تمرین تأملی، یادگیری فعال، نوآوری، خلاقیت، یا ایجاد مشارکت متمرکز نیست. ما نباید از فارغ التحصیلان چنین آموزشی، انتظار داشته باشیم که آنچه را که در وهله اول به آنها تلقین نشده بود به دانش آموزان یاد دهند (Weimer, ۲۰۰۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بنابراین، باید تلاش کنیم تا مطمئن شویم که آموزگاران به خوبی مجهز و آموزش دیده اند تا روش های دانش آموز محور را اجرا کنند، زیرا این روش ها با اهمیت ترین عوامل مرتبط با مدرسه موثر بر پیشرفت دانش آموزان هستند (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

خصوصیات یادگیری دانش آموز محور

آموزش دانش آموز محور برای تقویت یادگیری مؤثر است. این نوع آموزش مزایای مختلفی دارد که عبارتند از: دانش آموز را توانا می سازد تا دانش جدید را با دانش موجود به روش های معنی دار پیوند دهند، دانش آموزان را قادر می سازد تا دانش منسجم معناداری ایجاد کنند و تفکر خلاق و انتقادی را در دانش آموزان تسهیل می کند (Goldsmith et al, ۲۰۰۴). با وجود این، بسیاری از روش های تدریس در هنوز بر آموزگار متمرکز هستند. آکرز و هاردمن (۲۰۰۱) و پیترسون (۲۰۰۹) خاطرنشان کردند که بیشتر آموزگاران هنوز "روش های مرسوم" را برای تکمیل برنامه های درسی در یک دوره زمانی معین ترجیح می دهند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

آیا بهترین کلاسی که تا به حال داشته اید را به یاد دارید؟ کلاسی که در آن بیشتر اعتماد به نفس داشتید؟ که در آن بهترین آموختید؟ به احتمال زیاد، این کلاسی بود که در آن دانش جدیدی را کشف کردید و انگیزه یادگیری را هم توسط آموزگار و هم به دلیل تمایل ذاتی به دانستن بیشتر داشتید. کلاس درس دانش آموز محور با افزایش انگیزه و تلاش یادگیری را تسهیل می کند (Cannon, ۲۰۰۰).

مدل دانش آموز محور مستلزم آن است که آموزگاران هر دانش آموز را متمایز و منحصر به فرد ببینند. این بدان معناست که دانش آموزان در هر کلاس درس با سرعت های متفاوتی با روش های مختلف یاد می گیرند، توانایی ها و استعداد های متفاوتی دارند، احساس کارآمدی آنها ممکن است متفاوت باشد و ممکن است در مراحل مختلف رشد باشند (Goldsmith et al, ۲۰۰۴). در این مدل، یادگیری فرآیندی سازنده است که برای دانش آموز مرتبط و معنادار است و به دانش و تجربه قبلی دانش آموز مرتبط است. محیط یادگیری از تعاملات مثبت بین دانش آموزان پشتیبانی می کند و فضای حمایتی را فراهم می کند که در آن فرد ناب احساس قدردانی، تایید، احترام و اعتبار می کند. دانش آموز به جای تلاش برای "تعیین" دانش آموز، قدرت تسلط بر دنیای خود را از طریق فرآیند طبیعی یادگیری دارد (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

در زیر نمونه هایی از نقش ها و مسئولیت های تغییر یافته در کلاس درس دانش آموز محور آورده شده است.
دانش آموزان

- ۱- در یادگیری خود مشارکت فعال دارند.
- ۲- در مورد اینکه چه چیزی و چگونه یاد خواهند گرفت تصمیم بگیرند.
- ۳- با تکیه بر دانش و مهارت های فعلی، دانش و مهارت های جدید ایجاد کنند.
- ۴- انتظارات را درک کرده و تشویق می شوند تا از معیارهای خود ارزشیابی استفاده کنند.
- ۵- یادگیری خود را برای توسعه راهبردهای یادگیری زیر نظر داشته باشند.
- ۶- با سایر دانش آموزان همکاری کنند.
- ۷- کار تولید کنید که یادگیری معتبر را نشان دهد (Weimer, ۲۰۰۲).

آموزگاران

- ۱- روش های مختلف یادگیری را بشناسید و با آنها کنار بیایید.
- ۲- ساختار را بدون دستور دادن بیش از حد ارائه دهید.
- ۳- به دیدگاه هر دانش آموز گوش دهید و به آن احترام بگذارید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۴- تصمیم‌گیری مشترک دانش‌آموزانرا تشویق و تسهیل کنید.
- ۵- به دانش‌آموزانکمک کنید تا با پرسیدن سؤالات باز برای دستیابی به نتیجه‌گیری یا راه‌حلهایی که برایشان رضایت‌بخش است، مشکلات را حل کنند (Stuart, ۲۰۱۵).
- یادگیری
- ۱- جستجوی فعال معنا توسط دانش‌آموز.
- ۲- ساختن دانش به جای دریافت منفعلانه آن - شکل دادن و همچنین شکل‌گیری توسط تجربیات. از راهبردها و روش‌های آموزشی استفاده می‌شود
- ۱- مدیریت زمان به روش‌های انعطاف‌پذیر برای مطابقت با نیازهای دانش‌آموز.
- ۲- شامل فعالیت‌های یادگیری که شخصاً به دانش‌آموزانمربوط می‌شود.
- ۳- به دانش‌آموزانمسئولیت فزاینده‌ای در قبال فرآیند یادگیری بدهید (Cannon, ۲۰۰۰).
- ۴- سؤالات و تکالیفی را ارائه دهید که فراتر از به‌خاطر سپردن رونوشت، تفکر دانش‌آموزانرا تحریک کند.
- ۵- به دانش‌آموزانکمک کنید تا درک خود را با استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی اصلاح کنند.
- ۶- از دانش‌آموزاندر توسعه و استفاده از راهبردهای یادگیری مؤثر برای هر کار حمایت کنید.
- ۷- آموزش از طریق همتا و همتا را به‌عنوان بخشی از روش آموزشی در نظر بگیرید (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

روش استفاده دانش‌آموزان از یادگیری دانش‌آموز محوری

هر دانش‌آموزی از آموزش مؤثر سود می‌برد، صرف‌نظر از اینکه چقدر نیازهای یادگیری آنها متنوع است انگیزه دانش‌آموز و یادگیری واقعی زمانی افزایش می‌یابد که دانش‌آموزانسه‌می در یادگیری خود داشته باشند و به‌عنوان همکار در فرآیند یادگیری با آنها رفتار شود (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲). علاوه بر این، دانش‌آموزانی که در قبول مسئولیت‌های جدید با موفقیت مواجه می‌شوند، اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و نسبت به خود احساس خوبی دارند. دانش‌آموزانزمانی موفقیت بالاتر را نشان می‌دهند که بتوانند موفقیت را به‌جای شانس، به توانایی‌ها و تلاش خود نسبت دهند (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹).

با این حال، روند حرکت به سمت یادگیری دانش‌آموز محور برای دانش‌آموزانبزرگسال همیشه آسان نیست. بسیاری در ابتدا در برابر آنچه که به‌عنوان کناره‌گیری آموزگاران از مسئولیت خود برای مدیریت آموزش تلقی می‌کنند، مقاومت می‌کنند. دانستن اینکه ممکن است این اتفاق بیفتد می‌تواند به ایجاد بحث درباره تغییرات آشکارا کمک کند و نقش‌های جدیدی را برای دانش‌آموزان و آموزگاران مذاکره کند (Weimer, ۲۰۰۲).

کلاس‌های دانش‌آموز محور

یادگیری دانش‌آموز محور پیامدهای ظریف اما عمیقی برای آموزگاران دارد. برای حرکت به سمت این مدل جدید، آموزگاران باید تمایل داشته باشند که بر یادگیری تأکید کنند و در عین حال قدرت را با دانش‌آموزاندر کلاس به اشتراک بگذارند (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

این را می‌توان با برنامه‌ریزی و استفاده از مراحل افزایشی به روشی متفکرانه انجام داد. اول، آموزگاران به دانش‌آموزانکمک کنند تا برای خود اهداف تعیین کنند و فعالیت‌های خودراهربری را ارائه دهند که از طریق آن دانش‌آموزانبتوانند هم اعتماد به نفس و هم مهارت‌های یادگیری خود را ایجاد کنند. در نتیجه، دانش‌آموزانانگیزه می‌گیرند تا کنترل بیشتری بر یادگیری خود داشته باشند و آموزگاران در مدیریت محیط جدید اعتماد به نفس داشته باشند (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در مرحله بعد، آموزگاران می‌توانند دانش آموزان را تشویق کنند تا بفهمند چگونه بهترین یاد می‌گیرند و می‌توانند استراتژی‌های مختلف مناسب برای هر دانش آموز را به کار گیرند. به اشتراک گذاشتن تصمیم‌گیری دانش آموزان با به آنها کمک می‌کند تا به خودشان را بیشتر کنند (Goldsmith et al, ۲۰۰۴).

زمانی که دانش آموز به خودی خود هدایت می‌شود، یعنی اهداف و استانداردهای خود را تعیین می‌کند، آموزگار به تسهیلگری تبدیل می‌شود که معیارها، جدول‌های زمانی، فهرست منابع، همکاری‌ها و غیره را مرور می‌کند. در آموزش خود انتخاب دارند، آنها مسئول یادگیری خود هستند، پیشرفت‌های خود را اندازه‌گیری می‌کند و در کلاس درس قدرت دارند. (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

نقش آموزگار از "حکیم روی صحنه" به "راهنما در کنار" تبدیل می‌شود. آموزگاران کمتر هدایت می‌کنند و بیشتر تسهیل می‌کنند و دانش آموزان مسئولیت سازمان‌دهی محتوا، تولید مثال‌ها، طرح و پاسخ به سؤالات و حل مسائل را بر عهده می‌گیرند. آموزگار کارهای طراحی بیشتری انجام می‌دهد، کارهای واقعی را می‌سازد که مشارکت دانش آموز را تشویق می‌کند. آموزگاران نحوه برخورد با تکالیف یادگیری را مدل می‌کنند یا نشان می‌دهند و دانش آموزان را تشویق می‌کنند تا از یکدیگر یاد بگیرند. آموزگار مسئولیت حفظ جو یادگیری را بر عهده دارد. (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

آموزگاران که الگوی دانش‌آموز محوری را اجرا می‌کنند از آموزش کل کلاس به تحقیق گروهی کوچک و فردی می‌روند. این گروه بندی‌ها ناهمگن هستند و نیاز به آموزش متمایز دارند (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹). آموزگار به جای مشغول نگه داشتن دانش آموزان با کار فردی، بر موضوعات مورد علاقه گروه‌های کوچک تمرکز می‌کند و در آن زمینه‌ها تحقیق ایجاد می‌کند (Barr & Tagg, ۲۰۰۶). دانش آموزان همچنین از خواندن و استفاده از مطالب معتبر به جای کتاب‌های درسی و کتاب خوان‌های پایه سود می‌برند (Stuart, ۲۰۱۵). زمانی که به طور کامل محتوا و حفظ می‌شود، اکنون با زمان صرف شده برای یادگیری نحوه یادگیری و نحوه درک محتوا متعادل می‌شود. ارزشیابی در کلاس درس دانش‌آموز محور به کارنامه‌هایی متکی است که شامل هر دو ارزشیابی توسط آموزگار و خود ارزشیابی می‌شود. (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

نقش آموزگار در یادگیری دانش‌آموز محور

آموزگاران از یادگیری دانش‌آموز محور در کلاس‌های درس خود استفاده کنند تا انگیزه دانش آموزان را افزایش دهند، به دانش آموزان کمک کنند تا بر یادگیری خود مالکیت داشته باشند و روابط قوی ایجاد کنند. سه راه برای تفکر در مورد نقش آموزگاران در یادگیری دانش‌آموز محور عبارتند از: منابع، آموزگاران و راهنماها (Stuart, ۲۰۱۵).

منابع

در یادگیری دانش‌آموز محور، آموزگاران به عنوان کارشناسان و منابع کلیدی دانش عمل می‌کنند و دانش آموزان مسئولیت دسترسی به آن دانش را به اشتراک می‌گذارند. در این جلسات، دانش آموزان مسئول بودند تا در برقراری ارتباط با آنچه که می‌دانند و آنچه که نمی‌دانند، رهبری کنند و ضمن استفاده از دانش و تخصص آموزگاران، مهارت‌های حیاتی دفاع از خود را بیاموزند. (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

آموزگاران همچنین منابعی برای ارتباط دانش آموزان با مشارکت‌های خارج از کلاس درس هستند. این نوع ارتباط با ایجاد ارتباط بین دانش آموزان با علایق خارج از مدرسه، درگیر کردن آنها در محیط‌های کاری و تقویت ارتباطات شغلی، راه قدرتمندی برای پیاده‌سازی یادگیری دانش‌آموز محور است. (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

مربیان

روابط برای یادگیری بسیار مهم هستند، و این به ویژه در یادگیری دانش‌آموز محور صادق است. روابط قوی با بزرگسالان مورد اعتماد به دانش آموزان اعتماد به نفس و انگیزه لازم برای رهبری یادگیری خود را می‌دهد (Weimer, ۲۰۰۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

راهنماها

آموزگاران ساختار و راهنمایی هایی را ارائه می دهند که دانش آموزانرا قادر می سازد بر چالش ها غلبه کنند و ببینند که چگونه کار کلاسی آنها با علایق و اهداف بزرگتر مرتبط است. به عنوان مثال، در مدرسه ای در سنفورد، فلوریدا، آموزگاران نقشه های محتوای بصری ایجاد می کنند که دانش آموزان و والدین می توانند برای دیدن تصویر بزرگ از سفر یادگیری دانش آموز در هر واحد خاص به آن دسترسی داشته باشند. درک اینکه چگونه کار روزانه آنها به اهداف آینده ترجمه می شود، انگیزه درونی دانش آموزانرا فعال می کند و به آنها اجازه می دهد رهبری را به دست بگیرند (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

مزیت های روش دانش آموز محور

مدارس بیشتری به دلیل مزایایی که برای دانش آموزان دارد، به سمت رویکرد یادگیری دانش آموز محور حرکت می کنند. یادگیری دانش آموز محور بر درک شهودی دانش آموزان از آنچه از آموزش خود نیاز دارند، ایجاد می کند و محیط های یادگیری معناداری را ایجاد می کند که پژوهشها نشان می دهد که دانش آموزان درگیر و با انگیزه هستند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

۱- شخصی سازی نگرش دانش آموزانرا نسبت به یادگیری بهبود می بخشد.

۲- خدمات و یادگیری مبتنی بر پروژه باعث افزایش مشارکت دانش آموزانمی شود

۳- آموزش خودتنظیمی به دانش آموزان باعث بهبود عملکرد تحصیلی می شود (Woodhall, ۲۰۱۲).

۴- روابط قوی تر بین دانش آموزان و آموزگاران از طریق حرکات تجربی مشترک در مهارت های ارتباطی و همکاری دانش آموزان

۵- موفقیت در توانایی دانش آموزان برای تفکر و کار مستقل

۶- افزایش علاقه دانش آموزان به فعالیت های مدرسه و آموزش به طور کلی

۷- روابط قوی تر بین دانش آموزان و آموزگاران از طریق تجربیات مشترک (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹).

همچنین از مزایای دیگر این روش تدریس عبارتند از:

مطالعات متعددی وجود دارد که به دنبال دانش آموزانی که با رویکرد دانش آموز محور آموزش داده شده اند، نشان می دهد که نه تنها انگیزه دانش آموز افزایش می یابد، بلکه یادگیری و عملکرد واقعی نیز افزایش می یابد (Weimer, ۲۰۰۲).

دانش آموزانی که در یک کلاس درس دانش آموز محور تدریس می شوند، مطالب بیشتری را برای مدت زمان طولانی تری حفظ می کنند (Goldsmith et al, ۲۰۰۴). برای یادگیری، مغز نمی تواند به سادگی دانش را دریافت کند. همچنین باید دانش را پردازش کند تا بتوان آنها را ذخیره و فراخوانی کرد. ماهیت فعال رویکرد دانش آموز محور به دانش آموزان کمک می کند تا در واقع با دانش کار کنند و بنابراین آن را یاد بگیرند و چگونه آنها را ذخیره کنند (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹).

حتی فراتر از آنچه باید بدانند، دانش آموزان از یک اثر جانبی کمتر آکادمیک آموزش دانش آموز محور بهره می برند. آنها یاد می گیرند که چگونه نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند. همانطور که آنها مسئولیت های جدیدی را بر عهده می گیرند و با این مسئولیت ها موفق می شوند (Woodhall, ۲۰۱۲). حتی بیشتر، پژوهشها نشان می دهد که دانش آموزان زمانی که به خود اعتماد دارند و موفقیت را به توانایی های خود نسبت می دهند و نه به شانس یا به دیگران کمک می دهند، پیشرفت های بالاتری دارند. در رویکرد دانش آموز محور، این خود دانش آموزان هستند که مسئول موفقیت یک درس هستند و به همین دلیل تمایل دارند نسبت به موفقیت یادگیری خود احساس مسئولیتشان افزایش می یابد. (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انواع رویکردهای دانش آموز محور

رویکرد دانش آموز محور با مدل آموزشی سنتی آموزگار محور بسیار متفاوت است. در رویکرد دانش آموز محور به یادگیری، کلاس های درس از آموزش مستقیم به محیط جامعه محورتر حرکت می کنند، محیطی که از توانمند سازی دانش آموز، گفتگو، مهارت های تفکر انتقادی، استقلال و تکنیک های حل مسئله پشتیبانی می کند. در کلاس های دانش آموز محور، تغییر از آموزگار آغاز می شود. راهبردهای یادگیری دانش آموز محور، دانش آموزانرا در فرآیند برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی کلی مستلزم و درگیر می کند (Aaronsohn, ۲۰۰۲). همانطور که آموزگاران به اصلاح شیوه های آموزشی خود ادامه می دهند، در اینجا چندین استراتژی برای اجرای کلاس درس دانش آموز محور وجود دارد:

تابلوهای انتخاب

تابلوهای انتخاب به دانش آموزان اجازه می دهند تا فعالیت هایی را که برای تمرین یک مهارت یا نشان دادن درک کامل انجام می دهند، انتخاب کنند. در این رویکرد به یادگیری، به دانش آموزان فرصت های مالکیت و توانمند سازی داده می شود در حالی که آموزگاران آموزش خود را متمایز می کنند. تابلو های انتخاب را می توان نه تنها برای اهداف ارزیابی، بلکه برای معرفی مطالب جدید، برای تمرین تکمیلی یا به عنوان ترکیبی از بخش های متعدد یک درس یا واحد مورد استفاده قرار داد. (McCombs & Whistler, ۲۰۰۲).

ایستگاه ها

اگرچه روش ایستگاه ها یک مفهوم قدیمی است، اما تکامل یافته و به یک رویکرد مرکز تبدیل شده است. در ابتدایی ترین شکل خود، این استراتژی شامل استفاده دانش آموزان از یادگیری مشارکتی می شود که به دنبال کنار هم قرار دادن «پازل» هستند (Barr & Tagg, ۲۰۰۶). هر دانش آموز مسئولیت یک جزء فردی از دانش را بر عهده می گیرد، سپس دانش آموخته شده و به دست آمده را می گیرد و آن را در بخش بزرگتر کار (پازل) به کار می برد. این استراتژی در سطوح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان با آموزگاران که ایستگاه ها و مراکز را در کلاس خود ایجاد می کنند تا به تسهیل بخش دانش فردی یا گروه های کوچک استراتژی کمک کند، که منجر به نوعی ارائه، بحث و گفتگو می شود (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹).

یادگیری مبتنی بر تحقیق

در این استراتژی یادگیری، سوالات، ایده ها و تحلیل های دانش آموز با تمرکز بر دیدگاه دانش آموز در مورد یک سوال یا مشکل باز خاص برجسته و تقویت می شوند. این استراتژی به ویژه برای مشارکت اولیه دانش آموز مفید است و دانش آموزان را به سمت فراتر رفتن از دانش پایه به درک عمیق تر تفکر انتقادی، استدلال مبتنی بر شواهد و حل خلاقانه مسئله سوق می دهد. در یادگیری مبتنی بر پرس و جو، اجزای مختلف یک درس می تواند شامل مطالعات موردی، پروژه های گروهی و پروژه های تحقیقاتی باشد. ارتباطات عمیق تر با مطالب فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم می کند تا مهارت هایی را که در دنیایی که اکنون در آن زندگی می کنیم بسیار ارزشمند هستند، تقویت کنند (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

یادگیری پروژه محور و یادگیری مبتنی بر مشکل

آموزگاران اصطلاحات آموزشی مخصوص به خود را دارند و اغلب اوقات یادگیری مبتنی بر مشکل را می شنوید که در بحث های آموزگاران استفاده می شود. دو استراتژی یادگیری که بیشتر اجرا می شوند، یادگیری مبتنی بر پروژه و یادگیری مبتنی بر مشکل هستند. در یادگیری مبتنی بر پروژه، دانش آموزان روی کارهای طولانی تری کار می کنند که به ایجاد یک ارائه یا محصول اصلی ختم می شود. این استراتژی یادگیری به شدت به همکاری، ارتباط و خلاقیت دانش آموز بستگی دارد و آموزگار به عنوان تسهیل کننده کار و موفقیت دانش آموز عمل می کند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸).

یادگیری مبتنی بر مسئله شامل پروژه های کوتاه تری است که یک مشکل فعلی را بررسی می کند و از طریق تعریف، تحقیق و علل مشکل، دانش آموزان به طور مشترک راه حل های مشکل انتخابی را ارزشیابی می کنند، مشکل را حل می کنند یا راه حل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ها و یا یافته های بالقوه را گزارش می دهند. هر دوی این راهبردهای یادگیری از ارتباطات واقعی و مرتبط با دنیای خارج استفاده می کنند و تجربیات ارزشمندی را در زمینه حل مسئله و فرصت های تفکر انتقادی برای دانش آموزان فراهم می کنند که پس از فارغ التحصیلی برای آنها مناسب خواهد بود (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸).

کلاس های درس معکوس

آموزگاران به طور مداوم به دنبال راه هایی برای به حداکثر رساندن زمان آموزشی در کلاس درس هستند. یک استراتژی یادگیری که این را در نظر می گیرد، استفاده از کلاس درس معکوس است. در این فرمت یادگیری، محتوای جدید یا مقدماتی به دانش آموزان خارج از کلاس ارائه می شود، با آموزگاران بسیاری از استراتژی هایی مانند تابلو های انتخاب برای انتخاب دانش آموز در یادگیری خود که قبلاً مورد بحث قرار گرفته اند. مطالب آموزشی می تواند شامل خواندن، فیلم، ارائه های از پیش ضبط شده یا آموزش مستقیم یا تکالیف پژوهشی باشد (Moffett & Wagner, ۲۰۰۹).

در این مدل، آموزگار از زمان کلاس درس برای تسهیل یادگیری استفاده می کند و به دانش آموزان کمک می کند تا با استفاده از دانش آموخته شده خارج از کلاس تمرین کنند (Goldsmith et al, ۲۰۰۴). به جای «بلیط خروج» معمولی، که در آن دانش آموزان بلیتی را تحویل می دهند که نشان دهنده تسلط یا سوالات بیشتر در مورد درک است، دانش آموزان از «بلیط ورودی» استفاده می کنند که در آن با یک تکلیف تکمیل شده، پاسخ کتبی، آزمون یا پست وبلاگ وارد کلاس می شوند. به عنوان "بلیت" آنها خدمت می کند. در نهایت، مدل کلاس درس معکوس می تواند چندین استراتژی یادگیری دانش آموز محور را در خود بگنجانند و امروزه در مدارس بسیار محبوب است (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

استراتژی های یادگیری دانش آموز محور

استراتژی های یادگیری دانش آموز محور در دوره ابتدایی نقش مهمی در ترغیب به یادگیری فعال دانش آموزان دارند. در ادامه، راهکارهایی برای اجرای این استراتژی ها در دوره ابتدایی آورده شده است:

۱. تنوع در روش های آموزشی:
 - استفاده از روش های مختلف آموزشی مانند بازی های آموزشی، داستان گویی، فیلم های آموزشی و فعالیت های گروهی.
 - تنظیم جلسات آموزشی به گونه ای که هر دانش آموز با ترجیحات خود مواجه شود.
۲. استفاده از تجربه واقعی:
 - برگزاری سفرهای آموزشی به موزه ها، پارک های علمی، و محیط های طبیعی برای ایجاد تجربه های واقعی و کاربردی برای دانش آموزان.
 - ارتباط محتوای درس با واقعیت های روزمره دانش آموزان.
۳. استفاده از فناوری:
 - معرفی نرم افزارها و اپلیکیشن های آموزشی جذاب برای تقویت مهارت های دانش آموزان.
 - ایجاد پروژه های مبتنی بر تکنولوژی که به دانش آموزان این امکان را می دهد تا خود را در موضوعات مختلف بیازمایند.
۴. تشویق به پرسش و تحقیق:
 - ترغیب دانش آموزان به ارائه سوالات و پرسش های خود در مورد مطالب درسی.
 - تشویق به انجام تحقیقات کوچک و ارائه نتایج به همکلاسی ها.
۵. توجه به استعدادها و علایق شخصی:
 - شناخت و توجه به استعدادها و علایق هر دانش آموز.
 - ایجاد فرصت هایی برای ارتقاء و توسعه استعدادهای فردی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۶. استفاده از بازخورد مثبت:
 - ارائه بازخورد مثبت و تشویق به تلاش و پیشرفت هر دانش‌آموز.
 - برگزاری جلسات بازخورد فعال با هدف ارتقاء یادگیری دانش‌آموزان (پورامامی و همکاران، ۱۳۹۶).
 ۷. همکاری و گروهی:
 - ترویج فعالیت‌های گروهی و همکاری در کلاس.
 - ایجاد پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که نیاز به همکاری دانش‌آموزان داشته باشد.
 ۸. ترکیب درس‌ها با هنر و خلاقیت:
 - ادغام هنرها و فعالیت‌های خلاقانه در درس‌ها برای جلب توجه و افزایش خلاقیت دانش‌آموزان.
 - استفاده از نمایش‌های تئاتر یا نقاشی برای به تصویر کشیدن مفاهیم درسی.
 ۹. ترکیب ارزیابی‌های متنوع:
 - استفاده از ارزیابی‌های متنوع شامل آزمون‌ها، پروژه‌ها، ارائه‌ها و نقدهای همتا.
 - اعلام اهداف امتیازدهی و ارائه بازخورد سازنده.
 ۱۰. ترتیب دادن به یادگیری مبتنی بر سوال:
 - ایجاد سوالات استنباطی و تفکر انتقادی برای ارتقاء توانمندی‌های تفکری دانش‌آموزان.
 - اشتیاق دانش‌آموزان را به چالش کشیدن مفاهیم و حل مسائل افزایش دهید.
 ۱۱. توجه به تفاوت‌های فردی:
 - تطبیق درس‌ها به نیازها و سطوح یادگیری مختلف دانش‌آموزان.
 - ایجاد فرصت‌ها برای پشتیبانی اضافی برای دانش‌آموزانی که به تقویت نیاز دارند.
 ۱۲. ارتقاء مهارت‌های مدیریت زمان:
 - آموزش مهارت‌های مدیریت زمان به دانش‌آموزان به منظور بهبود برنامه‌ریزی و اجرای بهتر وظایف درسی.
 ۱۳. تشویق به مطالعه خودآموز:
 - ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه خودآموز و ارتباط آن با محتوای درسی.
 - ارائه لیست کتب و منابع پیشنهادی جذاب برای دانش‌آموزان.
 ۱۴. ترویج انعطاف‌پذیری در یادگیری:
 - تشویق دانش‌آموزان به پذیرش چالش‌ها و اشتباهات به عنوان فرصت‌های یادگیری.
 - ایجاد فرهنگی که از انعطاف‌پذیری و تلاش برای بهبود حمایت کند (Stuart, ۲۰۱۵).
- استفاده هوشمندانه از این راهکارها در کنار یکدیگر می‌تواند باعث ایجاد یک محیط یادگیری فعال و ترغیب‌آمیز در دوره ابتدایی شود.

بحث و نتیجه گیری

مدلهای آموزشی همانطور که می‌دانیم در حال تغییر است. اکنون بیش از هر زمان دیگری، استراتژی‌های دانش‌آموز محور به یادگیری بسیار مهم است. همانطور که مدیران مدارس به دنبال ایجاد ظرفیت در آموزگاران خود هستند، ما نیز باید به دنبال ایجاد ظرفیت، رهبری، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسائل پیچیده در دانش‌آموزان خود باشیم. استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموز محور فرصت‌های توانمند سازی را فراهم می‌کنند که اجازه می‌دهد به فراتر از ارزیابی‌های اجباری یا برنامه‌های



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

درسی استاندارد مبتنی بر استاندارد بپردازید. استفاده از استراتژی های مورد بحث می تواند شما را در مسیری قرار دهد که دانش آموزانی آماده ایجاد تغییر در یک جامعه جهانی و همیشه در حال تغییر باشند.

همانطور که برای ایجاد دروسی کار می کند که نیازهای شخصی دانش آموزان را برآورده کند، بسیار مهم است که به خاطر داشته باشید که چگونه تجربه و ظرفیت هر دانش آموز در مدرسه تحت تأثیر شرایط فردی آنها قرار می گیرد. درک و همدلی با هر دانش آموزی برای ایجاد یک برنامه یادگیری که برای آنها کار می کند بسیار مهم است. آموزگاران می توانند هر شخصیت را بررسی کنند تا ببینند که چگونه تجربه مدرسه آن دانش آموز تحت تأثیر سایر شرایط زندگی قرار می گیرد و در انجام این کار، در نظر بگیرند که چه امکاناتی برای درس ها می تواند به موفقیت آن دانش آموزان کمک کند (Stuart, ۲۰۱۵).

یادگیری دانش آموز محور بدون انتقاد نیست، اما به طور کلی، تجربه مثبتی دیده شده است، به عنوان مثال، بر ارزش یادگیری دانش آموز تأکید می کند: «قرار دادن دانش آموز در قلب فرآیند یادگیری و رفع نیازهای آنها، به گامی پیشرونده برداشته می شود که در آن رویکردهای دانش آموز محور به این معنی است که افراد می توانند آنچه را که برای آنها مرتبط است به روش های مناسب بیاموزند. ضایعات در منابع انسانی و آموزشی کاهش می یابد زیرا دانش آموزان دیگر مجبور نیستند آنچه را که قبلاً می دانند یا می توانند انجام دهند یا آنچه را که به آن بی علاقه هستند یاد بگیرند (Barr & Tagg, ۲۰۱۱).

تکنولوژی نقش جالب و اساسی در رویکرد متمرکز یک مدرسه به آموزش و مدیریت مبتنی بر نتایج یادگیری دانش آموز ایفا کند. این روش آموزگاران را مجبور می کند تا با تأمل بیشتری در مورد طراحی، ارائه و ارزشیابی دوره فکر کنند. این روش می تواند راه های خلاقانه جدیدی را برای تعامل با دانش آموزانو ترکیب مواد بسیار مدرن تحریک کند و در عین حال آموزگاران را نسبت به طیف وسیعی از چالش ها و امکانات ذاتی در کاربرد فناوری های آموزشی حساس کند.

منابع

- ۱- پورامامی، علی و خاوری، اسد و میرزاوند، علی و عابدی، مهدی، ۱۳۹۶، برخی از روش های تدریس دانش آموز محور، کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز،
- ۲- رضایی، باقرزاده، فضل الله، شیخ، محمود، حمایت طلب، داوود. (۲۰۲۰). تاثیر دوروش تدریس کودک محور و معلم محور بر رشد حرکتی درشت دانش آموزان پایه سوم ابتدایی. رفتار حرکتی، ۱۲(۴۲)، ۱۷-۳۶.
- ۳-Aaronsohn., E. (۲۰۰۲). Going against the grain: Supporting the student-centered teacher. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- ۴-Barr, R., & Tagg, J. (۲۰۰۶). From teaching to learning—A new paradigm for undergraduate education. Change, ۱۳-۲۵.
- ۵-Barr, R., & Tagg, J. (۲۰۱۱). From teaching to learning—A new paradigm for undergraduate education. Change, ۱۳-۲۵.
- ۶-Cannon, R. (۲۰۰۰). Guide to support the implementation of the Learning and Teaching Plan Year ۲۰۰۰. Australia: The University of Adelaide
- ۷-Goldsmith, M., Morgan, H. & Ogg, A.J. (۲۰۰۴). Leading organizational leading: Harnessing the power of knowledge. San Francisco, CA: Jossey-Bass.



- ۸-McCombs, B. & Whistler, J. (۲۰۰۲). The learnercentered classroom and school: Strategies for increasing student motivation and achievement. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- ۹-Moffett, J., & Wagner, B. J. (۲۰۰۹). Student-centered language arts, K-۱۲. Portsmouth, NH: Boynton/Cook Publishers Heinemann.
- ۱۰-Stuart, A. (۲۰۱۵). Student-centered learning. Learning, ۲۶, ۵۳- ۵۶.
- ۱۱-Weimer, M. (۲۰۰۲). Learner-centered teaching: Five key changes to practice. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- ۱۲-Woodhall, M. (۲۰۱۲). Cost-benefit analysis in educational planning (۳rd Ed.). UNESCO: International Institute for Educational Planning.